

نقد و بررسی درس نامه‌های منطق الطیر

فاطمه مجیدی*

چکیده

مثنوی منطق الطیر سه دهه است که با توجه به سرفصل مصوب سال ۱۳۶۶ در دوره کارشناسی زبان و ادبیات فارسی تدریس می‌شود و علیرغم تصریح تنظیم‌کنندگان سرفصل در خصوص تدریس کل متن، گزیده‌های متعددی از این متن منتشر شده و به عنوان درسنامه در قالب این درس ارائه می‌شود. این مقاله پس از نگاهی به این سرفصل و مقایسه آن با سرفصل تازه مصوب سال ۱۳۹۱، نگاهی دارد به مهم‌ترین متون مصحح و گزیده منطق الطیر که بویژه به عنوان درسنامه بیشتر طرف توجه مخاطبان بوده است و آنها را از منظر کیفیت مقدمات، کم و کیف متن‌های انتخابی، کیفیت تصحیح، کم و کیف توضیحات و نهایتاً از منظر ضمایم و فهرست‌ها نقد و بررسی می‌کند و پس از بیان نقاط قوت و ضعف هر یک، نشان می‌دهد که چگونه کم‌توجهی یا بی‌توجهی به مسائل پایه‌ای تصحیح (اعم از نسخه‌شناسی و شناخت زبان و بیان شاعر) موجب ورود بسیاری بدفهمی‌ها به درسنامه‌ها شده است و نهایتاً در یک دهه اخیر پس از ارائه منطق الطیرهای چاپ انتشارات سخن و سمت، این بدفهمی‌ها برطرف و درسنامه‌های مناسبی برای این متن ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: منطق الطیر، عطار نیشابوری، نقد تصحیح متن، درسنامه‌های رشته زبان و ادبیات فارسی.

۱. مقدمه

در سرفصل قدیم دوره کارشناسی زبان و ادبیات فارسی (مصوب سال ۱۳۶۶) ذیل «متون نظم ۴» (ص ۲۶ سرفصل) به ترتیب مثنوی مولانا، منطق الطیر عطار و حدیقه سنایی

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه نیشابور، Fateme.majidi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۱/۲۵، تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۳/۸

مشخص شده است که از آن میان فقط در خصوص شعر عطار به «تمام منطق الطیر با توجه به نکات ادبی آن» اشاره شده و در خصوص آثار دو شاعر دیگر خواندن بخش‌هایی از آثار آنها الزام شده است. البته مجموعاً بنای تنظیم‌کنندگان آن سرفصل بر اختصار بوده و معمولاً چندان به حدود و ثغور محتوایی سرفصل هر درس یا اهداف آن توجهی نداشته‌اند؛ چنان که ذیل عنوان «غزلیات شمس» (ص ۵۶ سرفصل) کوچکترین توضیحی در خصوص میزان خوانش متن یا اهداف درس یا هر چیز دیگر نیامده است و در خصوص منطق الطیر نیز مشخصاً یک سطر توضیح بدین وجه آمده است که: «در این درس تمام منطق الطیر با توجه به نکات ادبی آن تدریس خواهد شد». البته آنچه در عمل و در پیاده کردن این سرفصل اتفاق افتاده است عمدتاً خلاف این موضوع است و در درسنامه‌های متعددی که برای این متن - که حجم آن در آخرین تصحیحات انتقادی ۴۷۰۱ (تصحیح دکتر عابدی و دکتر پورنامداریان) تا ۴۷۲۴ (تصحیح دکتر شفیع کدکنی) بیت متغیر است - تدوین شده، عمدتاً بنای کار بر تلخیص متن گذاشته شده و معمولاً کمتر از نیمی از متن گزینش شده است.

در مقابل، در سرفصل‌های تازه دوره کارشناسی زبان و ادبیات فارسی (مصوب سال ۱۳۹۱)، عنوان و محتوای تازه‌ای در خصوص آثار عطار مصوب شده است: عنوان «مثنوی‌های عطار» جای «منطق الطیر» را گرفته و در بیان هدف درس «شناخت احوال، آثار و شیوه شاعری عطار نیشابوری» آمده و در تشریح اجزای سرفصل به ترتیب این موارد درج شده است: ۱. احوال و آثار عطار نیشابوری، ۲. بررسی شرایط تاریخی و اجتماعی روزگار عطار، ۳. بررسی عرفان عطار با تکیه بر منطق الطیر، ۴. تدریس منتخباتی از مثنوی‌های عطار (الهی‌نامه، مصیبت‌نامه، اسرارنامه)، ۵. معرفی و نقد منابع.

در مقایسه با سرفصل قدیم، این که نگاه تنظیم‌کنندگان سرفصل معطوف به شناخت «شرایط تاریخی و اجتماعی روزگار عطار» شده، بسیار حائز اهمیت و کلیدی است و اگر چه هنوز پس از حدود ۵ سال از ابلاغ این سرفصل، درسنامه‌ای بر مبنای آن تنظیم نشده است (کتاب پیر نیشابور که گزیده‌ای از مثنوی‌های عطار است، حدود دو دهه قبل تألیف شده است)، امید می‌رود که مؤلفان درسنامه‌ها در گزینش بخش‌های انتخابی از مثنوی‌های عطار، علاوه بر دیگر معیارهای معمول بلاغی و زبانی و ادبی، به این موضوع نیز توجه داشته باشند.

انتقادی نیز بر تدوین‌کنندگان سرفصل جدید وارد است که ناشی از ساده‌انگاری آنان در مفاد پیشنهادی ذیل منابع اصلی و پژوهشی است: اگرچه در خصوص منابع اصلی، با توجه

به انتشار چاپ‌های انتقادی دکتر شفیعی کدکنی از مثنوی‌های عطار بنظر می‌رسد انتخاب درست منابع اصلی همین آثار باشد به اضافه تصحیح قابل تأمل و محققانه دکتر عابدی و دکتر پورنامداریان از منطق‌الطیر اما تنظیم‌کنندگان سرفصل بی‌گمان در معرفی منابع پژوهشی، ساده‌انگارانه عمل کرده‌اند: مثلاً از آنجا که دومین عنوان در سرفصل مطالب یادشده «بررسی شرایط تاریخی و اجتماعی روزگار عطار» است، و این موضوع البته حائز اهمیت فراوان نیز هست، جای مهم‌ترین کتابی که مشخصاً در این موضوع منتشر شده یعنی سیمای جامعه در آثار عطار (صارمی، ۱۳۸۲) خالی است. و یا روشن نیست که چرا الهی‌نامه چاپ هلموت ریتر جزو منابع پژوهشی این سرفصل آمده است، حال آن که در این کتاب، جز متن مصحح، مقدمه ۱۴ صفحه‌ای استاد ریتر منحصراً در معرفی نسخ و شیوه تصحیح است. ضمن این که عجیب به نظر می‌رسد کتاب دو جلدی مصطلحات عرفانی و مفاهیم برجسته در زبان عطار (صارمی، ۱۳۷۳-۱۳۸۹) در عداد منابع پژوهشی حوزه عطار نباشد اما کتاب فرهنگ نوادر لغات و ترکیبات و تعبیرات آثار عطار نیشابوری (اشرف‌زاده، ۱۳۶۷) که با توجه به شروح متعدد و خوب آثار عطار و کتاب پیش‌گفته دیگر چندان مرجع پژوهشگران نمی‌تواند باشد، یاد شده است. البته مهم‌ترین خلأ در معرفی آثار پژوهشی، قطعاً به تعبیر دکتر شفیعی کدکنی «اثر بی‌مانند» هلموت ریتر (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۷: ۲۳) با نام دریای جان است (ریتر، ۱۳۷۴-۱۳۸۷) که «سیری در آراء و احوال شیخ فریدالدین عطار نیشابوری» است و به تعبیر مترجمان این کتاب، «مهم‌ترین و چشمگیرترین اثر ریتر، [و] حاصل سالها تحقیق و تلاش» وی است. به همین شکل، نام کتاب محققانه دیدار با سیمرغ (ویرایش دوم ۱۳۸۲) از دکتر تقی پورنامداریان که دربردارنده نه مقاله عمدتاً کلیدی برای درک شعر عطار است نیز در این فهرست خالی است و نیز کتاب صدای بال سیمرغ (زرین‌کوب، ۱۳۷۸) که هرچند در شرایط بیماری استاد دکتر زرین‌کوب و در دیار غربت نوشته شده، اما به طور ویژه حاوی نکات ارزشمند فراوانی بویژه در باره روزگار عطار است و دانشجویان از رهگذر مطالعه نثر روان و گاه روایت‌گونه نویسنده با برخی مواضع انتقادی او- مثلاً در باب زادگاه عطار یا انتساب مختارنامه به وی- آشنا می‌شوند چنان که نویسنده فروتنانه اظهار می‌کند که «اگر حاصل پاره‌یی بررسی‌های آن با آنچه دیگران انجام داده‌اند تفاوت دارد امید است در نزد اهل تحقیق مایه برخی ناخرسندی‌ها نشود» (زرین‌کوب، ۱۳۷۹: ۸).^۱

۲. بررسی آثار

با توجه به آنچه آمد، یعنی دوگانگی میان سرفصل مصوب جدید و بسیاری از درسنامه‌های موجود که تألیف بیشتر آنها پیش از تنظیم سرفصل اخیر است، از میان آثار نسبتاً پرشماری که با عنوان تصحیح و شرح و یا تلخیص و گزیده منطق الطیراند، بنای کار ما بر نقد و بررسی متن‌های مصحح و درسنامه‌های تدوین شده‌ای است که با اقبال بیشتری مواجه بوده‌اند که ذیلاً فهرست آنان با رعایت تقدم تصحیح‌های انتقادی و ترتیب تاریخی ارائه می‌شود:

۱. منطق الطیر، به اهتمام و تصحیح سید صادق گوهرین، چاپ اول (بنگاه ترجمه و نشر کتاب): ۱۳۴۲، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی؛ ۲. منطق الطیر، به اهتمام (تصحیح) دکتر احمد رنجبر، چاپ اول: ۱۳۶۶، انتشارات اساطیر؛ ۳. منطق الطیر، مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی، چاپ اول: ۱۳۸۳، انتشارات سخن (مجموعه آثار عطار-۱)؛ ۴. منطق الطیر، تصحیح و شرح دکتر رضا انزابی نژاد و دکتر سعیدالله قره‌بگلو، چاپ اول: ۱۳۸۴، انتشارات آیدین؛ ۵. منطق الطیر، مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی، چاپ اول: ۱۳۸۸، انتشارات سخن؛ ۶. منطق الطیر، تصحیح و توضیح دکتر محمود عابدی و دکتر تقی پورنامداریان، چاپ اول: ۱۳۹۰، انتشارات سمت؛ ۷. منطق الطیر عطار، تلخیص و توضیح دکتر کامل احمدنژاد و دکتر فاطمه صنعتی‌نیا، چاپ اول: ۱۳۷۲، انتشارات زوار؛ ۸. منطق الطیر عطار (گزیده دانشگاه پیام نور)، تألیف دکتر سیروس شمیسا، چاپ اول: ۱۳۷۲، انتشارات دانشگاه پیام نور؛ ۹. گزیده منطق الطیر، تلخیص و مقدمه و شرح دکتر حسین محی‌الدین الهی قمشه‌ای، چاپ اول: ۱۳۷۳، انتشارات علمی و فرهنگی؛ ۱۰. شرح گزیده منطق الطیر، تألیف دکتر رضا اشرف‌زاده، چاپ اول: ۱۳۷۳، انتشارات اساطیر؛ ۱۱. گزیده منطق الطیر عطار، انتخاب و شرح دکتر سیروس شمیسا، چاپ اول: ۱۳۷۳، انتشارات قطره؛ ۱۲. پیر نیشابور (گزیده‌ای از مثنوی‌های عطار)، به کوشش عبدالمحمد آیتی، چاپ اول: ۱۳۷۵، انتشارات علمی و فرهنگی.

برای بررسی این آثار بنای کار را بر این بررسی‌های موضوعی قرار داده‌ایم:

۱. بررسی مقدمات درسنامه‌ها؛ ۲. بررسی کم و کیف متن‌های انتخابی (در گزیده‌ها)؛ ۳. بررسی کیفیت تصحیح؛ ۴. بررسی کم و کیف توضیحات؛ ۵. بررسی ضمایم و فهرست‌ها.

۱.۲ نقد و بررسی مقدمات درس‌نامه‌ها

نگارش مقدمه درسنامه‌های متن‌محور اهمیت بسیار دارد؛ نگاهی به کم و کیف مقدمه‌های موفق‌ترین مجموعه‌هایی که به عنوان درسنامه‌های متن‌محور با اقبال مواجه شده‌اند - مانند «مجموعه ادب فارسی»، «گزیده سخن پارسی» یا «از میراث ادبی فارسی» که عمدتاً به سفارش ناشران معتبر و توسط برجسته‌ترین متخصصان آن متن تألیف شده است - بر این امر گواهی می‌دهد. در واقع گاهی این مقدمات چنان است که خود تألیفی مستقل به شمار می‌آیند.^۲ کیفیت این مقدمه‌ها که در حکم دری برای ورود به ساحت شناخت کلی از مؤلف و اثر اوست در ارتباط با شاعری چون عطار که اطلاعات متقن چندانی در خصوص زندگی و شخصیت او نیست و در خصوص آثارش نیز تا ادوار اخیر اختلاف آراء زیاد بوده است، اهمیت بسیار دارد و در درسنامه‌های مختلف از نظر کمیت و کیفیت بسیار متغیر است. مثلاً در مقدمه گزیده انتشارات علمی و فرهنگی، شاعرانگی بر متن غلبه دارد و مقولات غالباً خالی از استناد است و حجم عمده‌ای از این مقدمه یکصد صفحه‌ای به نقل نمونه‌های فراوان اشعار عطار و دیگر شعرا اختصاص یافته است (نک. الهی قمشه‌ای، ۱۳۷۳: مقدمه)؛ در مقابل این تفصیل در مقدمه، مقدمه‌گونه‌ای است که مؤلفان درسنامه چاپ انتشارات زوار ارائه کرده‌اند و در چهار صفحه به فشردگی تمام اطلاعات مختصری از نام و نسب عطار، احوال او، آثار او و محتوای منطق‌الطیر ارائه کرده‌اند (نک. احمدنژاد و صنعتی‌نیا، ۱۳۷۱: مقدمه). از میان دیگر درسنامه‌ها، مقدمه گزیده انتشارات قطره نیز بواسطه این که به پیروی از روال معمول «مجموعه ادب فارسی» در بردارنده بخش دیدگاه‌ها در دو حوزه «درباره عطار» و «درباره منطق‌الطیر» است سودمند افتاده است، البته به نظر می‌رسد گزینش این دیدگاه‌ها چندان دقیق نبوده است چرا که برخی دیدگاه‌های بدیع و مورد توجه محققان (مثلاً برخی اطلاعاتی که شفیع کدکنی در مقدمه مختارنامه (چاپ اول ۱۳۵۸) در خصوص عطار و آثار مسلم او آورده از آن فوت شده است یا برخی اقوال متناقض (مثلاً در باب تولد و وفات او) در دو موضع مختلف، بی هیچ ترجیح یا توضیحی نقل شده است. ضمناً مؤلف مقدمه‌ای هشت صفحه‌ای را که پیشتر در کتاب آموزشی انتشارات پیام نور عمدتاً در موضوع تعریف و تبیین تمثیل و ساختار تمثیلی منطق‌الطیر آورده بوده، در این چاپ، پیش از بیان دیدگاه‌ها نقل کرده که در حد فهم دانشجویان بوده و در فهم بهتر منطق‌الطیر بسیار سودمند است (نک. شمیسا، ۱۳۷۲ و همو، ۱۳۷۳).

در مقابل مقدمه کوتاه دکتر گوهرین (۱۳۷۴: پانزده تا سی و یک) به عنوان متنی که مدتها «بهترین و اصیل‌ترین چاپها» بوده است (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۱۲) و به معرفی کلی منطق الطیر و نسخه‌شناسی آن منحصر شده است، در دو تصحیح اخیر انتشارات سخن و انتشارات سمت، مخاطبان از مقدمه‌های تفصیلی و جامع مصححان بهره‌مندند. شفیعی کدکنی در مقدمه‌ای که افزون از دویست صفحه است، اطلاعات بسیار ارزشمند و تازه‌ای در خصوص شاعر، آثارش، جایگاه او در سنت شعری فارسی، بوئیقای شعر او، پیشینه داستانی منطق الطیر، رمزگشایی از برخی داستان‌ها و عناصر داستانی و نسخه‌شناسی تفصیلی منطق الطیر و روش تصحیح ارائه کرده است (نک. شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۱۲-۲۲۱). از آن میان اطلاعاتی که در خصوص زادگاه، تولد و مرگ او در این مقدمه ارائه شده در کنار مبحث مهم «بوئیقای شعر» عطار، جز تازگی مطالب، واجد اهمیت بسیار است. چرا که برای نخستین بار به صورتی کاملاً مستدل بویژه با طرح مسائل زبانی اشعار عطار و پسند و ناپسند او در این حوزه، به نقدهای تند حمیدی شیرازی در خصوص آنچه او «نخستین ولگردی‌های شعر فارسی» می‌خواند (به نقل از: شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۱۸) پاسخی درخور داده شده است.

این مقدمه تفصیلی در ویرایش دیگری از این چاپ، که صورت اصطلاحاً دانشجویی به خود گرفته است، با حذف بیش از نیمی از مقدمات (بویژه اطلاعات پیرامونی شیوه شاعری عطار و منطق الطیر) در هفتاد صفحه ارائه شده است (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۷-۷۷). مقدمه‌ای که دکتر پورنامداریان و دکتر عابدی بر تصحیح خود از این متن نوشته‌اند جز برخی مطالب در باب زبان شعر عطار و معرفی چاپها و نسخ منطق الطیر، عمدتاً برگرفته از تأملات و مقالات دکتر پورنامداریان است که پیشتر در کتاب دیدار با سیمرخ منتشر شده است و بیشتر ناظر بر اندیشه‌های عرفانی عطار بویژه در منطق الطیر و پیشینه داستانی آن است و تفسیر و تأویل آثار او که از این نظر بهره‌های متفاوتی نسبت به مقدمه دکتر شفیعی کدکنی برای مخاطبان دارد، اگرچه به نظر می‌رسد این محتوا در خور حوصله بیشتر دانشجویان نباشد.

مقدمه دیگر درسنامه‌ها دارای چنان کمیت و کیفیت و اصالتی نیست که درخور یادکرد باشد. به عنوان مثال اگرچه دکتر انزابی‌نژاد و قره‌بگلو تصحیحی تازه از متن ارائه کرده‌اند اما به واقع جز پیشگفتاری به ایجاز تمام در چهار صفحه و در توصیف چاپها و برخی نسخ منطق الطیر و روش کار مقدمه‌ای بر کار خود نوشته‌اند.

۲.۲. بررسی کم‌وکیف متن‌های انتخابی (در گزیده‌ها)

در میان مثنوی‌های عطار، به لحاظ پیرنگ داستانی، منطق‌الطیر ساختاری منسجم‌تر از مثنوی‌های دیگر دارد. در این خصوص مصحح مثنوی‌های عطار ضمن ترجیح دادن ساختار کلی منطق‌الطیر در تمامیت ساختار بر مثنوی‌های دیگر وی، معتقد است این ساختار کامل، در کمتر اثر منظومی در ادب فارسی یافت می‌شود و «تنها در بخش‌هایی از شاهنامه از قبیل داستان رستم و اسفندیار، می‌توان از چنین هماهنگی و انسجامی در طرح صحنه‌ها و حوادث داستان نشانه‌ای جست» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۱۰۹)؛^۳ و از این رو، هر نوع گزینشی از این متن در صورت و معنای آن ایجاد اختلال خواهد کرد و در شرایط ناگزیر نیز گزینش پاره‌هایی از این متن بسیار دشوار است. با توجه به حجم کمتر از ۵ هزار بیتی این اثر است که چنان که در مقدمه آمد، تنظیم‌کنندگان سرفصل قدیم «تمام منطق‌الطیر با توجه به نکات ادبی آن» را برای تدریس در نظر گرفته‌اند. اما با این حال ظاهراً تدریس و خواندن کل متن از حوصله بسیاری از استادان و دانشجویان خارج است و از این رو مؤلفان گزیده‌های ارائه شده حجم این متن را تا کمتر از یک چهارم متن و ۱۰۱۵ بیت (گزیده‌های پیام نور و قطره) تقلیل داده‌اند. دیگر گزیده‌ها نیز حداکثر نیمی از ابیات منطق‌الطیر را انتخاب و ارائه کرده‌اند و همه سعی داشته‌اند جز بخشی از سرآغاز داستان که خطاب به ۱۳ مرغ است و در حکم براعت استهلال برای داستان اصلی است، جهت حفظ ساختار داستانی در گزینش خود این بخش‌ها را لحاظ کنند: جمع شدن مرغان و گفتگو در مورد پیدا کردن پادشاه، گفتگوی مرغان با هدهد و بیان عذر آنها، معرفی وادی‌ها، رسیدن سی مرغ به سیمرغ. در این میان، مشهورترین داستان فرعی منطق‌الطیر یعنی داستان شیخ صنعان نیز مورد اقبال مؤلفان این درسنامه‌ها بوده است و در میان درسنامه‌های برگزیده، جز درسنامه چاپ انتشارات زوار، لااقل فشرده‌ای از این داستان پس از بخش بیان عذر مرغان و بیان عقبه‌های راه، در دیگر درسنامه‌ها ارائه شده است. حذف این داستان اگرچه مستقیماً به ساختار کلی کتاب لطمه نمی‌زند اما مخاطبان را از «یکی از بهترین و دلکش‌ترین داستان‌های ادبیات فارسی و شاید عمیق‌ترین و نتیجه‌بخش‌ترین آنها» (مرتضوی، ۱۳۶۵: ۲۸۸) محروم می‌کند.

گزیده‌های مورد بحث همگی در اوایل دهه هفتاد منتشر شده‌اند و جز در درسنامه انتشارات علمی و فرهنگی (پیر نیشابور، گزیده‌ای از مثنوی‌های عطار) که بدون این که تصریح شود، ظاهراً بر مبنای تصحیح دکتر محمدجواد مشکور ارائه شده است، برگرفته از

یا بر اساس تصحیح دکتر گوهرین‌اند اما عمدتاً مؤلفان با اشاره به برخی اغلاط چاپ گوهرین، به این نکته اشاره کرده‌اند که گاه به نسخه‌بدل‌های آن متن و یا دیگر نسخ مراجعه داشته‌اند و متن را «به شیوه سخن عطار نزدیکتر و در بیان معانی مقصود گویاتر» کرده‌اند (الهی قمشه‌ای، ۱۳۷۳: ۹۹) و یا «هر کجا [...] غلط فاحشی بوده است - که این موارد کم هم نیست - با احتیاط تمام و با ذکر علت، کلمه را تغییر» داده‌اند. (اشرف‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۹). البته لازم است گفته شود که همه تغییرات و اصلاحات ۵ گانه‌ای که در مجموع ۵۹۰ بیت نخست درسنامه اخیر (در صفحات ۴۵، ۴۸ و ۴۹) دیده شد (از مجموع ۱۱ مورد اصلاحات در کل ۱۶۲۱ بیت درسنامه)، دقیقاً مطابق شده است با ضبط دو تصحیح اخیر شفيعی کدکنی و عابدی - پورنامداریان، الا این که دگرگونی‌ها و تغییرات متن دو تصحیح اخیر بسیار فراتر از این موارد معدود و انگشت شمار است.

مجموعاً اگر بر مدار سرفصل قدیم باشیم، دو چاپ انتشارات سخن (چاپ دانشجویی) و انتشارات سمت، با توجه به این که در بردارنده کلیت متن‌اند و به نسبت چاپ‌های پیشین بسیار منقح‌اند، بی‌تردید مناسب‌ترین درسنامه‌هایند و به واقع چاپ‌های پیشین را به یکباره منسوخ کرده‌اند.

۳.۲ بررسی کیفیت تصحیح

با توجه به مطالبی که تا این بخش ذکر شد، مطالبی در خصوص سابقه تصحیح مثنوی‌های عطار نیز یاد شد. در بیست تا سی سال پیش، حدود ده تصحیح مختلف در ایران از منطق الطیر ارائه شده است. جويا جهان‌بخش در مقاله مفصلی که در شماره ۷ و ۸ آینه میراث (زمستان ۷۸ و بهار ۷۹) با عنوان «هنجار تصحیح متن منطق الطیر» و پیوست‌های آن در شماره بعدی آینه میراث منتشر کرد مروری انتقادی داشته است بر مهم‌ترین چاپ‌های آثار عطار با تمرکز ویژه بر منطق الطیر و در طی آن پس از آن که ایات متعددی از منطق الطیر مصحح گوهرین را با توجه به ضبط‌های نسخه اساس و نسخه‌بدل‌ها بررسی می‌کند، به این نتیجه می‌رسد که دستنویس‌های کهن معروف به قونیه یا مراغی ۱ و ۲ (آنچنان که شفيعی کدکنی یاد می‌کند)، «به آن اندازه که ایشان [گوهرین] به آنها اعتماد کرده‌اند قابل اعتماد نبوده است» (ص ۵). اکثر تأملات نویسنده مقاله در خصوص ایات مورد اشاره با دو تصحیح انتقادی اخیر (شفيعی کدکنی و عابدی - پورنامداریان) موافق است. جهان‌بخش پس از بحث فراوان در باب این تصحیح‌ها و با توجه به «ویژگی‌های

درونی» منطق الطیر و «مختصات نسخ آن» می‌گوید که این اثر «به روشی خاص در تصحیح نیازمند است» و سختگیرانه و البته امیدوار به دستیابی به نسخه‌های معتبرتر می‌افزاید «در میان مجموعه نسخ یادشده در چاپهای گوهرین، رنجبر و مشکور و نسخه تورینو نمی‌توان به منطق الطیر عطار دست یافت»؛ حال آن که تصحیح‌های اخیر نیز عمدتاً بر اساس همان نسخه‌هایی انجام گرفته است که مرجع گوهرین بوده است: به پنج دستنویس مورد استناد گوهرین در چاپ عابدی- پورنامداریان ۲ نسخه قرن نهمی (۸۲۶ و ۸۲۸ ق.) افزوده شده و در چاپ شفیع‌ی اگرچه هفت نسخه افزوده شده، عمدتاً بسیار از سه دستنویس ردیف اول هم به لحاظ قدمت و هم اعتبار ضعیف‌ترند و طبیعتاً در ردیف‌های آخر به لحاظ اعتبار نشسته‌اند تا حدی که وی در مقام ارزیابی کلی این نسخ می‌گوید: «جز چهار نسخه اول که می‌توان برای آنها نوعی ترتب، در اعتبار، قایل شد، بقیه نسخه‌ها دارای ارزشهای موردی‌اند و غالباً شبیحی از سخن عطار را در خود نگاه داشته‌اند» (شفیع‌ی کدکنی، ۱۳۸۳: ۲۲۹)؛ البته جهانبخش با این بیان افسوس‌مند که:

از عرصه تصحیح استاد دکتر شفیع‌ی کدکنی هم که از سال‌ها پیش وعده‌اش زبانگرد کتابدوستان بوده، هنوز خبری نیست و دور است که آن نازنین اوستاد به این زودیه‌ها دست از باریک‌بینی و ریزه‌کاری در سامان‌دهی چنین متنی بردارد (ص ۵).

نهایتاً برای تصحیح متنی چون منطق الطیر روشی دو مرحله‌ای (اصلاح نسخه اساس از اغلاط آنگاه مقابله نسخ) را پیشنهاد می‌دهد که خود منوط به کسب صلاحیت‌های پنج‌گانه‌ای در حوزه شناخت زبان عطار و آثار کهن و مصطلحات صوفیه است به همراه دقت در خطوط کلی ماجرا و ملاحظه ویژگی‌های روحی و جهان‌بینی عطار. (نک. صفحات ۱۹ و ۲۰). جز این مقاله جهانبخش که در دل خود مطالب و مواد دو مقاله انتقادی دیگر را دارد، آقای دکتر رضا اشرف‌زاده ضمن نقدی که در نامه فرهنگستان (ش. ۲۴، زمستان ۱۳۸۳) بر یکی از چاپهای دیگر منطق الطیر می‌نویسد، به دو ایراد اساسی عده‌ای دیگر از تصحیح‌ها نیز اشاره می‌کند: اول این که نسخه اساس آنها ضعیف و کم‌اعتبار است و دیگر این که مصححان درک درستی از کیفیات زبان شعر عطار ندارند (۱۳۸۳: ۸۸، ۱۰۰). بواسطه همین درک نادرست از بوطیقای عطار، در طی زمان حتی برخی کاتبان تعابیر عطار را به تصور ایراد وزنی و تفاوت آن با زبان شعر کلاسیک به تدریج تغییر داده‌اند و این موضوع به درسنامه‌ها و متون مصحح روزگار ما نیز رسیده است و در آن میان سه تصحیح مستثنی هستند: تصحیح دکتر گوهرین که با توجه به قدمت آن، اگر چه در

خصوص این کیفیات زبانی و شعری نه در مقدمه و نه در نقل نسخه بدل‌ها و نه در توضیحات، هیچ گونه اشاره‌ای ندارد اما لااقل متن را دگرگون نکرده است و به اقدم نسخ عموماً وفادار مانده است؛ تصحیح دکتر شفیعی کدکنی که چنان که پیشتر گفته شد، اساساً بخشی از مقدمات و پاره‌های متعدد و پرشماری از توضیحاتش به تبیین بوطیقای عطار اختصاص دارد و نهایتاً تصحیح دکتر عابدی و دکتر پورنامداریان که ذیل عنوان «ملاحظات در زبان و شعر عطار» (صفحات ۶۵-۷۴) به این کیفیات که عمدتاً «نتیجه پیوندی است که [شعر عطار] با زبان محاوره دارد» اشاره می‌کند و مصححان هم در همین موضع و هم در توضیحات متعددی که در بخش تعلیقات و توضیحات آورده‌اند، به توضیحات دکتر شفیعی کدکنی در این خصوص ارجاع می‌دهند. اما در خصوص نسخه اساس، هر سه تصحیح به تعبیری می‌توان گفت یک نسخه اساس داشته‌اند: نسخه اساس همگی، دو دستنویس است که دکتر شفیعی آنها را با توجه به انجامه متن، «مراغی ۱» و «مراغی ۲» خوانده است و هر دو بنظر می‌رسد حوالی «ششصد و هشتاد و اند» به دست یک نفر کتابت شده‌اند. (نک. شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۲۱۰-۲۱۱؛ عابدی و پورنامداریان، ۱۳۹۰: ۷۵؛ گوهرین، ۱۳۷۴: بیست و پنج تا بیست و هفت).

متن مصحح دکتر گوهرین (بنگاه ترجمه و نشر کتاب: ۱۳۴۲) دارای ۶۹۶ بیت است. در مقدمه کوتاه این چاپ، گوهرین با زبانی شاعرانه، به معرفی اجمالی منطق الطیر و عطار پرداخته است و خواننده را برای شناخت بیشتر عطار، به کتاب دریای جان اثر هلموت ریتر - که هنوز ترجمه نشده بود - ارجاع داده است. همچنین مصحح در مقدمه به معرفی نسخ مورد استفاده خود (دو دستنویس مراغی مربوط به اواخر قرن هفتم، دو نسخه قرن هشتمی و نهمی و چاپ گارسن دوتاسی (پاریس، ۱۸۵۷ م.) پرداخته است. با این که این تصحیح اغلاط فراوان دارد، و این موضوع را اکثر مؤلفان گزیده‌ها و مصححان بعدی یادآور شده‌اند، اما شفیعی کدکنی در مقدمه تصحیح خود می‌گوید «با آن همه غلطهای فاحش و شگفت، هنوز [۱۳۸۲] بهترین چاپ است» چرا که «چاپهایی که نسبت به چاپ گوهرین کم‌غلط‌تر به نظر می‌رسند آنهایی هستند که کاتبان یا مصححان آنها کوشیده‌اند به میل و سلیقه خود «اصالت» سخن عطار را قربانی «فهم و تشخیص» خود کنند». (۱۳۸۳: ۱۲). پس از مروری بر تصحیح‌های دیگر، در همین بخش مقاله به طور مجزا بین بخش تحمیدی این متون مصحح مقایسه‌ای ارائه خواهد شد.

متن مصحح دکتر شفیعی کدکنی در سال ۱۳۸۳ و در قالب مجلد اول از «مجموعه آثار عطار» منتشر شد. انتشار مجموعه مثنوی‌های عطار از این مجموعه بزرگتر (۱۳۸۳-۱۳۸۶) با توجه به آنچه گفته شد، در سال‌های اخیر فتح بابی در عطارپژوهی و عطارشناسی بوده است و لاقل در خصوص متن منطق‌الطیر با اطمینان می‌توان گفت این چاپ، تصحیح‌ها و درسنامه‌های پیش از خود را نسخ کرده است. این متن در فاصله چاپ نخست تا کنون ضمن تجدید چاپ‌های مکرر، با توجه به مشخصات شناسنامه‌ای متن (لاقل در چاپ دوم، ۱۳۸۴) و یادداشت مصحح در چاپ به اصطلاح دانشجویی (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۵) بویژه در حوزه «متن» چند بار ویرایش و بازبینی شده است و این امر از دغدغه جدی وی در خصوص این متن حکایت می‌کند. شفیعی در پیش‌گفتار، این کار را «حاصل متجاوز از سی سال تأمل و تدریس و دقت در مجموعه آثار عطار و مجموعه تصوف خراسان و منابع بیکران اندیشه عطار» (۱۳۸۳: ۱۳) توصیف می‌کند و به واقع مقایسه متن مصحح وی با متون پیش از وی مؤید این موضوع است. نمونه‌های فراوانی از تأملات وی را می‌توان در این موضع ذکر کرد که به دو نمونه برجسته اشاره می‌شود:

در همان صفحات آغازین متن، در چاپ دکتر گوهرین (ص ۹) و همه چاپ‌های پیش از متن شفیعی بیتی هست که به این صورت درج شده:

آفتاب از شوق تو رفته ز هوش هر شبی در روی می‌مالید گوش

البته در خصوص معنای این بیت، دکتر گوهرین هیچ توضیحی نداده است؛ دیگر شارحان و مصححان نیز گاه آن را تغییری اندک و بسیار داده‌اند و مثلاً انزابی‌نژاد و قره‌بگلو مصراع دوم آن را -بدون اشاره به نسخه‌بدل دیگری- به صورت «هر شبی بر خاک می‌مالد دو گوش» ضبط کرده‌اند (۱۳۸۸: ۲۴) و ضمن اشاره به این که «گوش بر خاک مالیدن در فرهنگها نیامده، اما رخ بر خاک مالیدن به معنی اظهار نهایت بندگی و فرمانبرداری» آمده است، «تصویر شاعرانه نزدیکی خورشید به زمین در هنگام غروب» را «قابل توجه» دانسته‌اند. (همان، ۲۴۴)، یا در تصحیح دیگری (رنجبر، ۱۳۷۰: ۴۱) مصراع دوم را به این صورت آورده‌اند: «در درون خود زده آتش ز جوش» و شرحی متناسب با این صورت مسخ‌شده آورده‌اند؛ حال آن که این نحوه خوانش از روی نسخ قطعاً ناشی از تصحیف واژه «لوش» است در مقابل تعبیر قرآنی «حَمِئَةٌ» که در مورد غروب خورشید در داستان ذوالقرنین بکار رفته است که: «حتی اذا بَلَغَ مَغْرَبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَعْرُبُ فِي عَيْنِ حَمِئَةٍ».

(شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۴۶۱-۲) و بر این اساس صورت صحیح این بیت - که در چاپ عابدی و پورنامداریان نیز در خصوص تعبیر مورد بحث اتفاق نظر است - اینگونه است:

آفتاب از شوق تو رفته ز هوش هر شبی در روی می مالیده لوش

(شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ص ۲۳۶).^۵

نمونه‌ای دیگر باز در همان صفحات آغازین متن (بیت ۱۳۶) متن گوهرین می‌خوانیم: جمله دارند ای عجب دامن بدست / وز همه دورند و با او هم‌نشست؛ بنا به گزارش دکتر شفیع (ص ۴۶۰) در دستنویس‌های کهن قافیه بیت دوم این صورته‌ها را دارد: جست / خست / دست / بست. در نسخه مراغی، ظاهراً کاتب برای رهایی از ابهام مصراع آن را به صورت «وز همه دورند و با او هم‌نشست» ثبت کرده. دیگر مصححان و شارحان نیز صورت‌های دیگری را که برگزیده‌اند: انزایی نژاد و قره‌بگلو: عذر می‌آرند و می‌جویند پست (ص ۲۳)؛ رنجبر: وز طلب نایافته هرگز نشست (ص ۴۵)؛ عابدی و پورنامداریان: وز همه دورند و با او هم‌نشست (ص ۹۳). به مانند مثال پیشین، انزایی نژاد و قره‌بگلو (ص ۲۴۴) اشاره کرده‌اند که در این مصراع ابهامی هست و افزوده‌اند: «ظاهراً پست قید است به معنی با پستی و حقارت. در فرهنگها دیده نشد». عابدی و پورنامداریان ضبط ساده‌شده نسخه اساس را پذیرفته‌اند (ص ۶۷) و قرینه‌ای محتوایی از شعر سنایی برای آن مفهوم آورده‌اند (ص ۳۰۳). اما شفیع کدکنی با توجه به یک نسخه قرن نهمی که «همواره ضبط‌های کهن دارد» و برخی قرینه‌ها (سخن برهان قاطع در خصوص معنی خست و بیتی از غزلیات شمس که وجود تعبیر «آستین خاییدن» را تأیید می‌کند، دو وجه غریب اما محتمل برای بیت در نظر می‌گیرد: «عذر می‌آرند و می‌جویند جست (راه جستن و فرار را می‌جویند) / عذر می‌آرند و می‌خایند خست (آستین خود را از درماندگی می‌خایند)». به هر حال ضبط مختار دو چاپ اخیر (شفیعی و عابدی - پورنامداریان) هر یک صورتی موجه ارائه کرده است اما اگر اصل ترجیح ضبط دشوار را در چنین مواردی بپذیریم، توضیحات دکتر شفیع پذیرفتنی‌تر می‌نماید.^۶

یک نکته مهم در باب متن مصحح شفیع در این مقام گفتنی است و آن فقدان بخش گزارش نسخه‌بدل‌هاست. البته مصحح در این خصوص - در مقدمه مصیبت‌نامه - با توجه به این که گزارش برخی اختلاف نسخ مصیبت‌نامه و منطق الطیر را در تعلیقات آورده است، استدلال کرده است که «ما در مواردی به ضبط نسخه‌های دیگر پرداختیم که ضرورت ایجاد می‌کرد که خواننده در جریان کار قرار گیرد» و معتقد است که نقل ضبط‌های غلط و

بی‌معنی‌ترین ارزشی ندارد (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۱۱۴). که هر جا لازم بوده نسخه‌بدل‌ها و چرایی انتخاب آنها در خلال تعلیقات ذکر شده است اما با این حال توصیف نسخه‌بدل‌ها برای بسیاری از پژوهشگران بسیار لازم و مغتم است کما این که این بخش در الهی‌نامه تصحیح دکتر شفیی گنجانده شده است.

آخرین تصحیح قابل تأمل منطق‌الطیر کار مشترک دکتر محمود عابدی و دکتر تقی پورنامداریان، بنا به «اشاره»ی فروتنانه‌ای که مصححان دارند (ص ۱) به لحاظ کاری که ارائه شده، دارای «تفاوت‌هایی» است که «بی‌هیچ ادعای ترجیحی» میان کار دکتر شفیی و کار ایشان وجود دارد.

نسخه‌ی اساس این تصحیح یکی از دستنویس‌های دوگانه‌ی معروف به مراغی است که چنان که پیشتر آمد اواخر قرن هفتم کتابت شده است اما مهم‌ترین تفاوت‌هایی که در نسخه‌های مورد استناد عابدی-پورنامداریان و شفیی کدکنی است مربوط می‌شود به ۱. عابدی-پورنامداریان از نسخه‌ای به تاریخ ۸۲۶ ق. (با رمز «س») بهره برده‌اند و به عنوان چهارمین نسخه‌ی معتبر بدان تکیه کرده‌اند (ص ۷۸) که در فهرست دستنویس‌های دکتر شفیی بدان نیست؛ ۲. شفیی کدکنی از نسخه‌ی معروف به دارالمثنوی به تاریخ ۸۱۱ ق. به عنوان «یکی از بهترین نسخه‌های شناخته شده منطق‌الطیر در جهان» (۱۳۸۳: ۲۱۴) یاد می‌کند و آن را از نظر اعتبار چهارمین نسخه‌ی معتبر و مورد ارجاع خود می‌شمارد در صورتی که عابدی-پورنامداریان آن را در ردیف هفتم نسخه‌های معتبر ذکر می‌کنند و صراحتاً اعلام می‌کنند که این نسخه علیرغم متقدم بودن بر نسخه مورخ ۸۲۶ ق. «در صحت و اعتبار بر آن ترجیحی ندارد». (ص ۸۰). مبنای اصلی تفاوت‌های تصحیح بین دو چاپ یادشده، این دو مورد است و گرنه در خصوص ترجیح هرگونه ضبطی به جای ضبط نسخه‌ی اساس، مصححان هر دو تصحیح، روشی یکسان داشته‌اند و همچنان که شفیی کدکنی وقتی موارد عدول از نسخه‌ی اساس را برمی‌شمارد، نهایتاً می‌گوید:

با این همه مصحح در چند مورد به نوعی تصحیح قیاسی دست زده است که [...] هر کس با تاریخ زبان فارسی و مسائل فنی تصحیح متن آشنایی کافی داشته باشد، آن تصحیح‌های قیاسی را اموری قطعی و مسلم به حساب می‌آورد» سپس می‌افزاید: «تمامی این موارد، صراحتاً، یادآوری شده است (۱۳۸۳: ۲۲۶)

عابدی و پورنامداریان نیز پس از برشمردن ملاحظاتی که در تصحیح و اختیار نسخه‌بدل‌ها در نظر داشته‌اند اذعان دارند که در برخی موارد به تصحیح ذوقی متوسل

شده‌اند و می‌افزایند: «بنا بر این از هرگونه انتخاب ذوقی نامستند پرهیز کرده‌ایم». (۱۳۹۰: ۸۱).

گذشته از این اشتراکات در مبانی و روش، چنان که مصححان گفته‌اند کارشان دارای تفاوت‌هایی است و اتفاقاً در برخی موارد بنظر می‌رسد گزینش‌هایی درست‌تر داشته‌اند، به عنوان نمونه این مصححان بر اساس قراین نسخه‌ اساس در بیت‌های ۷۲۹، ۳۰۱۲، ۲۱۴، ۲۲۱۷ و ۴۱۸۵ دریافته‌اند که واژه «اگر» در همه این ابیات به معنی «بعید است که، حاشا، کی» به کار رفته است [...] و کاتبان به دلیل غرابت کاربرد آن را به شیوه‌های دیگر و مثلاً «کی» یا «کجا» یا «کرا» به کار برده‌اند» (عابدی و پورنامداریان، ۱۳۹۰: ۸۳). نیز ذیل توضیحات بیت (۲۱۴)؛ حال آن که در چاپ دکتر شفیعی، در مقابل واژه «اگر» در ابیات اول، دوم و پنجم یاد شده، علیرغم نسخه‌ اساس، ضبط دیگر نسخ یعنی «کی» انتخاب شده است. در مقابل این ترجیح‌ها، البته مواردی هم هست که مصححان از نسخه‌ اساس عدول کرده‌اند اما شفیعی صورت نسخه‌ اساس را با توضیحات قانع‌کننده‌ای برگزیده است، مثلاً در بیت ۶۲۰ متن آورده‌اند: «کرد از جان مرد موسیقی‌شناس / لحن موسیقی خلقت را سپاس» اما شفیعی وفق نسخه‌ اساس مصراع دوم را (در بیت ۶۲۳) این‌گونه ضبط کرده است: «لحن موسیقی خلقت را سپاس» و در توضیح و توجیه صحت این تعبیر که در بیت ۶۴۹ نیز آمده، در توضیحات به نظر اخوان الصفا در خصوص «علم نسبت‌ها» در نظام کاینات که موسیقی خوانده می‌شود اشاره‌ قانع‌کننده‌ای دارد. (۱۳۸۳: ۵۲۵-۶).

تصحیح‌های دیگر این متن چندان قابل توجه نیست جز کار مشترک دکتر انزابی‌نژاد و قره‌بگلو. این تصحیح بر مبنای ۸ چاپ و دستنویس تنظیم شده است و دستنویس‌ها و چاپ‌هایی که در کار شفیعی و عابدی-پورنامداریان، از نظر اصالت و اعتبار در ردیف‌های پنجم و ششم هستند-مانند چاپ گارسن دو تاسی و نسخه‌ خطی کتابخانه تورینو (چاپ عکسی مرکز نشر دانشگاهی)- ظاهراً بنا به شماره ترتیبی که در معرفی آنها لحاظ شده است در این کار در ردیف‌های اول و دوم قرار دارند. (انزابی‌نژاد و قره‌بگلو، ۱۳۸۸: ۱۶). مصححان از طریق پاورقی‌های چاپ‌های پیشین، بویژه دو چاپ گوهرین (تهران ۱۳۴۲) و مشکور (تبریز ۱۳۳۷)، به دستنویس‌های قدیمی استناد کرده‌اند و این خود ضعف بزرگی است.^۷ ضمناً در هیچ موضعی تصریح نشده که کدام نسخه و یا حتی چاپ به عنوان نسخه‌ اساس در نظر گرفته شده است و توضیحات پیشگفتار مصححان چندان روش کار را روشن نمی‌کند: «در تصحیح حاضر، اعتبار اقدام نسخ، و حرمت نسخه‌های کهن محفوظ

بوده است، اما هر گاه صحت و حجیت نسخه متأخرتری روشن و قطعی می‌نمود و یا آنجا که خطای کاتب و ناسخ نسخه کهن، مسلم بود، ضبط درست‌تر را بر نادرستی نسخه‌ی متقدم ترجیح دادیم». (۱۳۸۸: ۱۵). با تطبیق برخی ابیاتی که شفیع‌ی کدکنی یا عابدی-پورنامداریان در بیان ویژگی‌های خاص زبانی عطار آورده‌اند با چاپ اخیر روشن می‌شود که مصححان در کار خود چندان توفیقی نداشته‌اند:

شفیع‌ی کدکنی (۱۳۸۳: ۲۲۴) در بیان صورت صحیح دو بیت شماره‌های ۱۶۲۵ و ۴۱۴۴ به تفصیل استدلال می‌کند که علیرغم ظاهر ناتندرست قافیه، صورت‌های صحیح اینگونه است:

بود راهی خالی‌السیر ای عجب ذره‌ای نه خیر و نه شر، ای عجب
من که نه من مانده‌ام نه غیر من برتر است از عقل خیر و شر من

اما این دو بیت در تصحیح مورد بحث این‌گونه بدون در نظر گرفتن بافت تاریخی زبانی و گویشی آن آمده است:

بود راهی خالی از سیر ای عجب ذره‌ای نه شر و نه خیر ای عجب

(ص ۹۰)

من که نه من مانده‌ام نه غیر من برتر است از عقل شر و خیر من

(ص ۲۰۶)

یا در خصوص بیت ۱۳۲۵ در چاپ شفیع‌ی صورت صحیح بیت علی‌رغم تصرف ذوقی کاتبان متأخر، بواسطه این که «در بوطیقای عطار مقصود/سود قابل قافیه شدن نیست زیرا یکی دال است (مقصود) و دیگری ذال است (سود)» (نک. شفیع‌ی کدکنی، ۱۳۸۳: ۲۲۵) اینگونه است:

ای لب و زلفت زیان و سود من روی و کویت مقصد و بهبود من

و این بیت را تصحیح مورد بحث (ص ۷۸) و حتی عابدی و پورنامداریان (ص ۱۴۵) با ترجیح نسخه‌های متأخر این‌گونه ضبط کرده‌اند:

ای لب و زلفت زیان و سود من روی و کویت مقصد و مقصود من

در این بخش به لحاظ اهمیت موضوع و افزودن سنجش تصحیح‌های دیگر مورد بررسی نگاهی می‌اندازیم به تفاوت‌های متون مصحح ۵ گانه مورد بررسی از ۲۶۴ بیت نخست تحمیدیه منطق الطیر بر مبنای چاپ دکتر شفیعی کدکنی:

تحمیدیه تصحیح گوهرین دارای همان ۲۶۴ بیت است و جز ۲ مورد جابجایی چشمگیر ابیات (در موضع بیت‌های ۱۸ و ۱۹؛ و ۸۵ و ۸۶) دارای ۴۰ مورد اختلاف در تصحیح است که این موارد چنان که دکتر شفیعی هم یادآور شده، عمدتاً از گونه غلط‌خوانی است (بگذاشت/ بگذاخت؛ این/ دین؛ بلکه/ ملک؛ زعم/ زهم؛ بکی/ یکی؛ سحر/ مهر؛ گر/ کو؛ نبینی/ ببینی؛ نبود/ بُرد و مانند آن). موارد اختلاف اساسی در مصراع‌های دوم دو بیت ۱۳۶ و ۱۵۲ این چاپ است که بیشتر به این مصراع‌ها اشاره رفت. از این قیاس روشن می‌شود که چرا شفیعی کدکنی پس از گذشت حدود چهل سال از این چاپ آن و انتشار چندین چاپ دیگر، هنوز بهترین چاپ را همان چاپ گوهرین می‌دانست (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۱۲).

تحمیدیه در چاپ دکتر رنجبر دارای ۲۰۳ بیت (در مقابل ۲۶۴ بیت چاپ شفیعی) است و در بین تصحیح‌های مورد بررسی با همه دیگر متن‌های ارائه شده دارای بیشترین تفاوت (هم به لحاظ تعداد ابیات هم ترتیب آنها و هم اختلاف ضبط) است و با چاپ شفیعی کدکنی در ۱۸۷ مورد اختلاف در تصحیح دارد که شمار قابل توجهی از آنها از نوع تغییر واژگانی است که قطعاً نتیجه غلط‌خوانی نبوده و نتیجه تصرف کاتب نسخه اساس مصحح است. از این میان بیش از ده مورد از این اختلاف‌ها بیت یا مصراعی را از نظر لفظ و معنی اساساً تغییر می‌دهد. ضمن این که مجموعاً ۱۱ مورد نیز اختلاف در ترتیب ابیات وجود دارد؛ از این نظر، محصول نهایی این تصحیح بیشترین اختلاف و فاصله را با همه متن‌های مصحح دیگر دارد و این اختلاف نشان دهنده ضعف این تصحیح و گزینش تصرفات نابجای کاتبان متأخر است.

تصحیح انزابی نژاد - قره‌بگلو با ۲۵۳ بیت تحمیدیه، دارای نزدیک به ۱۱۰ مورد اختلاف با متن مصحح شفیعی کدکنی است و جز دو مورد جابجایی در ابیات (در موضع ابیات ۱۶۱ و ۱۶۱؛ و ۲۲۸ و ۲۲۹) شمار قابل توجهی از تفاوت‌هایش با متن شفیعی در برخی ضمائر (این/ آن؛ او/ وی) و حروف (با/ در؛ در/ بر؛ از/ در؛ با/ بر و نه/ نی) است که عموماً تغییری در معنا ایجاد نمی‌کند و بیشتر ناظر بر ویژگی‌های گویشی شعر عطار است. در مصراع دوم بیت ۷۴

هر شبی بر خاک می‌مالد دو گوش هر شبی در روی می‌مالیده لوش

نیز مانند دیگر چاپ‌های پیش از تصحیح شفیع کدکنی و اکثریت نسخ، صورت نادرست آن ثبت است.

تحمیدیۀ متن مصحح عابدی - پورنامداریان ۲۶۲ بیت دارد و در دو موضع، از نظر ترتیب ابیات با چاپ شفیع اختلاف دارد (در موضع ابیات ۱۷۰ و ۱۷۱؛ و ۲۳۷ و ۲۳۸) و مجموعاً در ۴۰ فقره اختلاف در تصحیح وجود دارد که از آن میان فقط یک مورد آن (مصراع دوم بیت ۶۷: وزهمه دورند و با او هم‌نشست/ عذر می‌آرند و می‌جویند جست) تفاوت عمده است و باقی تمایزهای این تصحیح، با توجه به این که نسخه‌های اساس هر دو تصحیح را چنان که گفته شد، می‌توان در حکم واحد در نظر گرفت، عمدتاً از مقولۀ اختلاف در دو گونه خوانی نسخ (پُر/ بر؛ رهبر/ ره بر؛ گردون/ گردان؛ بس/ پس؛ این/ آن؛ مردی/ مرد؛ هُش/ هوش؛ می‌مالید/ می‌مالیده؛ کو/ گر) و موارد محدودی در ضبط حروف (بر/ در؛ وز/ تا؛ نی/ نه) و مجموعاً بسیار ناچیز است چنان که می‌توان گفت از نظر محصول نهایی کار، این دو تصحیح اشتراک کیفی بسیاری با هم دارند. ضمناً علیرغم داشتن نسخه‌های اساس متفاوت، همبستگی زیادی نیز بین دو تصحیح انزابی‌نژاد - قره‌بگلو و عابدی - پورنامداریان هست به حدی که از مجموع ۴۰ فقره اختلاف در تصحیحی که در کار عابدی - پورنامداریان احصا شد، ضبط ۱۸ مورد آن عیناً همان گزینش انزابی‌نژاد - قره‌بگلو است و به این امر، یکسانی دو متن در حذف برخی ابیات و ترتیب ابیات را نیز باید افزود.

۴.۲ بررسی کم‌وکیف توضیحات

در مواجهه با متون کهن، پس از ارائه صورت صحیحی از متن، مهم‌ترین کار، بویژه در خصوص با متون درسنامه‌ای، ارائه توضیحات و تعلیقات است. از این نظر توضیحات دکتر گوهرین (۱۳۷۴: ۲۶۳-۳۳۸) بیشتر ناظر به اقتباسات و تلمیحات قرآنی و تاریخی است و در ضمائم کتاب، بخشی (همان: ۳۴۱-۳۶۶) به فهرست الفبایی لغات و اصطلاحات و تعبیرات و برخی اعلام به همراه توضیحاتی مجمل اختصاص داده شده است. البته شیوۀ مرسوم درسنامه‌ها ارائه همه توضیحات تلمیحی و واژگانی و ادبی و مانند آن، ذیل شماره بیت و صفحه است، چنان که در اکثریت درسنامه‌های بررسی شده می‌بینیم و از این نظر در چاپ گوهرین، هم توضیحات زبانی، با وجود ضرورت بسیار، اساساً وجود ندارد و هم

شیوه ارائه مناسب نیست. گزیده انتشارات علمی و فرهنگی نیز از نظر توضیحات بسیار ضعیف است و فقط دارای یک واژه‌نامه الفبایی (الهی قمشه‌ای، ۱۳۷۳: ۱۹۷-۲۴۸) است که توضیحاتی مجمل برای واژگان دشوار و اعلام تاریخی ارائه کرده است. دو گزیده انتشارات پیام نور و قطره از نظر توضیحات دانشجویی موفق‌اند. آلا این که در برخی مواضع که تأثیر ویژگی‌های گویشی بر منطق الطیر هنوز روشن نبوده است، توجیهاتی عروضی برای این وجوه گویشی آمده است:

در توضیح بیت:

تا که نکند کره عمری سرکشی تن فرو ندهد به آرام و خوشی

می‌خوانیم: «نکند، ندهد: به جای دو هجای کوتاه یک هجای بلند آورده است (تسکین)» (شمیسا ۱۳۹۳: ۹۳). در صورتی که اساساً پای قاعده عروضی تسکین در میان نیست بلکه بر اساس آنچه بعداً پژوهشگران نشان داده‌اند: «گذشته از این گونه التقای سواکن [...] در عروض عطار، کلمات تلفظ‌های ویژه خویش را دارند که کم و بیش متأثر از آواشناسی لهجه طبیعی محیط زندگی اوست [...] کلماتی از نوع «نکند» [...] یا «شَنُونَد». (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۹۴). در موضعی دیگر از همین درسنامه، دکتر شمیسا (۱۳۹۳: ۱۱۶) دو مورد از این تأثیرات گویشی را در خصوص واژه‌های «نهراسد و برساندم» از منطق الطیر به عنوان نمونه‌هایی از استفاده از قاعده تسکین و در عداد عیوب شعر آورده است که با وجود توضیحات مقدمات دو متن مصحح اخیر، وجهی دیگر دارند. و آنچه در توجیه عروضی صورت «جوامردی» در منطق الطیر به جای «جوامردی» (همان: ۱۴۷) آمده است نیز مشخصاً توجیهی گویشی دارد. در توجیه همین صورت گویشی، شارحی دیگر به این توضیح غیر دقیق اکتفا کرده که «جوامردی: جوامردی، صورت قدیم کلمه است». (اشرف‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۵۷).

از ایرادهای معمول بسیاری از درسنامه‌ها که گاهی غیر قابل اجتناب هم به نظر می‌رسد، برخی توضیحات زاید است. به عنوان نمونه: «عابد: عبادت‌کننده»، «دم: نفس»، «زرنگار: آن که نقشهای طلایی دارد»، «رخنه: سوراخ»، «صبور: شکیبا»، «طریق: راه» و «رفیق: همراه» به ترتیب ذیل بیت‌های ۷۷۴، ۷۷۶، ۷۹۷، ۸۰۳، ۱۱۷۲ و دو مورد آخر ذیل ۱۱۸۶ زیاده از حد توضیح واضح است. (نک. اشرف‌زاده، ۱۳۸۶).

با توجه به آنچه در باب ایرادهای کار مصححان آمد، طبیعتاً در بسیاری مواضع توجیه معنایی ابیاتی که به صورت درستی تصحیح نشده‌اند از ایرادهای درسنامه‌هاست و به برخی از آنها به عنوان نمونه پرداخته شد. اما پژوهش‌های اخیر نیز خالی از ایرادها و اشتباهات نیست. به عنوان نمونه این که «مرغ زرین» به عنوان پرنده‌ای مستقل در نظر گرفته نشده است (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۱۷۶-۱۷۷) هم چنان که به گواهی نوشته خود مصحح از «سیاق سخن عطار، به ظاهر، چنان می‌نماید که «مرغ زرین» هم پرنده‌ای است در شمار دیگر پرندگان که نام و نشان ایشان را عطار آورده است» (همان‌جا)، به دلایل دیگری نیز این نام، مربوط به پرنده‌ای مستقل از باز است. افزون بر توضیحاتی که شارحان بعدی در خصوص این تمایز ذکر کرده‌اند (مثلاً عابدی و پورنامداریان، ۱۳۹۰: ۳۵۴)، نظم ذهنی عطار که در سراسر آثارش مشهود است، در بخش خطاب به مرغان نیز کاملاً آشکار است: خطاب هر یک از مرغان ۵ بیت است و به ترتیب با تعبیر «مرحبا» و «خه‌خه» یکی در میان می‌آید، برای مرغ زرین نیز همین خطاب به کار رفته است. ضمناً یک ضرب‌المثل هم در کدکن رواج دارد بدین مضمون که «عاقبت، مرغ زرین، نوکش در فضله‌اش گیر می‌کند» و داستانی برای این مثل نقل می‌کنند و در ضمن آن مرغ زرین را همان سیمرغ می‌دانند.^۸

یا چنان که عابدی و پورنامداریان (۱۳۹۰: ۲۹۸) در شرح بیت:

چون سگی را مرد آن قربت کند شیرمردی را به سگ نسبت کند

آورده‌اند مصراع دوم اشاره به بلعم باعور دارد نه آنچنان که دکتر شفیی کدکنی وصف مصراع دوم را نیز مرتبط با اصحاب کهف دانسته است. (۱۳۸۳: ۴۵۵).^۹

تعلیقات چاپ دکتر شفیی کدکنی البته مزایای بسیاری دارد که در مقام مقایسه با چاپ عابدی - پورنامداریان لازم است به پشتوانه غنی منابع کهن مورد استفاده ایشان اشاره کرد که عمدتاً در خصوص توضیحات واژگانی و ادبی اولاً به دیگر آثار عطار ارجاع دارد و پس از آن به بسیاری از منابع کهن تر از عطار و این بهترین شیوه تعلیقه‌نویسی است. این امر نیز که مصحح خود گویشور کدکن، زادگاه عطار است، در حوزه استدرکات ایشان در باب تأثیر «تعلق خاطری که [عطار] به زبان روز و گونه محلی نیشابور عصر خود داشته» (همان: ۹۳) به پژوهش ایشان غنا و اعتباری دیگر بخشیده است. در مقابل اما اگرچه تعلیقات و توضیحات چاپ عابدی - پورنامداریان نسبت به همه آثار دیگری که به شرح و توضیح منطق الطیر پرداخته‌اند ترجیح آشکار دارد اما در مقایسه با تعلیقات دکتر شفیی از برخی مزیتها برخوردار نیست: مشخصاً در تعلیقات کتاب حضور دکتر محمود عابدی، مصحح

کشف‌المحجوب- و ظاهراً شیفته سخن حافظ و سعدی شیرازی- بیشتر محسوس است. در بسیاری از مواضع، شواهدی لغوی از کشف‌المحجوب ذکر شده است و نیز در موارد بسیاری به آثار سعدی و حافظ و یا تحفه‌العراقین خاقانی استناد شده است و با توجه به این که حافظ و سعدی متأخرتر از عطاراند و هر سه از نظر اقلیم زندگی و حوزه فکر و اندیشه با عطار بسیار متفاوت‌اند، تأیید سخن عطار با سخن آنان، خواننده دقیق‌النظر را راضی نمی‌کند.

۵.۲ بررسی ضمایم و فهرست‌ها

متون کهن، گنجینه‌هایی از مواد فرهنگی‌اند که پر از اطلاعات ریز و درشت گوناگون زبانی، ادبی، تاریخی و مانند آن هستند. این گنجینه‌ها وقتی از دل دستنویس‌های کهن بیرون می‌آیند و به زیور طبع آراسته می‌شوند انتظار می‌رود که جز ارائه متنی پاکیزه و توضیحات واژگانی و مانند آن، برای سهولت در بهره‌برداری مخاطبان دارای ضمایم و فهرست‌های متناسب نیز باشند. در مواجهه با منظومه‌هایی چون منطق‌الطیر انتظار می‌رود جز فهرست منابع، فهرست الفبایی ابیات، واژگان و تعبیرات، اعلام تاریخی و جغرافیایی، قبایل و فرق، و آیات و احادیث مورد اشاره را داشته باشد. این موضوع منحصر به متون کامل نیست و برای درسنامه‌ها نیز برخی از این فهرست‌ها (لااقل فهرست واژگان و تعبیراتی که در تعلیقات درج می‌شود و یا آیات و احادیث مورد اشاره در تعلیقات) لازم به نظر می‌رسد. البته متأسفانه در میان گزیده‌های بررسی شده در این مقاله هیچ‌یک افزون بر فهرست منابع، فهرستی ندارند.^{۱۰}

در میان متون کامل، چاپ دکتر گوهرین، بخشی از ضمایم را در غیاب تعلیقات واژگانی، به فهرست لغات و اصطلاحات اختصاص داده است و توضیحات مجملی هم پس از هر فقره آورده است. پس از آن فهرست اعلام متن کتاب را ارائه کرده و پس از آن فهرست آیات و احادیث و اقوال مشایخ را و نهایتاً کشف‌الآبیاتی کارگشا. تصحیح رنجبر دارای تفصیلی‌ترین فهرست‌ها است (۱۵ نوع فهرست) با این حال چون فاقد تعلیقات است، فهرست منابع نیز ندارد. این ریزبینی و ظریف‌کاری در ارائه فهرست‌ها اگر چه در خصوص فایده و کاربرد مثلاً «کشف‌المصراع دوم حواشی» جای سوال باقی است، کاری مغتنم است. این فهرست‌های مفصل متأسفانه چنان که بررسی شد، ضمیمه متن مصحح مورد اعتمادی نشده است (نک. پی‌نوشت شماره ۷) و گرنه فواید بیشتری برای آنها مترتب

بود. چاپ دکتر انزابی نژاد و قره‌بگلو، جز فهرست ابیات، متضمن فهرست لغات و ترکیبات، فهرست آیات و احادیث نیز هست و از این نظر معتنم است. چاپ دکتر شفیع کدکنی، خوشبختانه دارای مزیت فهرست ابیات است و افزون بر آن، پس از فهرست اعلام (تاریخی، جغرافیایی و کتابها)، فهرستی الفبایی راجع به راهنمای تعلیقات نیز دارد (صفحات ۷۸۹ تا ۸۱۵) که برای دانشجویان و پژوهشگران بسیار سودمند است و شامل کلیه واژگان، تعبيرات، اعلام و مفاهیم و برخی آیات و احادیثی می‌شود که تعلیقات مفصل کتاب ناظر به آنهاست. افسوس که در چاپ دانشجویی جز فهرستی کوتاه از اعلام متن، بقیه این فهرست‌های مفصل و راهگشا، احتمالاً به ضرورت کمتر شدن حجم کتاب حذف گشته است. چاپ دکتر عابدی و پورنامداریان نیز این فهرست راهنمای تعلیقات را در کنار فهرست اعلام دارد؛ اما کاستی بزرگ این اثر فقدان فهرست ابیات است. به نظر می‌رسد با توجه به امکاناتی که دستگاه‌های چاپ و نشر امروزی در اختیار قرار می‌دهند، این امکان بود و هست که دو بخش راهنمای تعلیقات و گزارش نسخه‌بدل‌ها با قلم‌هایی ریزتر و صفحه‌بندی فشرده‌تر تنظیم شوند و در این اثر تقریباً با همین حجم جایی برای ارائه فهرست ابیات که برای دانشجویان علاقمند و بویژه برای پژوهشگران بسیار سودمند و کاراست باز شود.

۳. نتیجه‌گیری

با توجه به مرور گزیده‌ها و متن‌های کاملی که از منطق‌الطیر عطار ارائه شده است و به عنوان درسنامه نیز بر اساس سرفصل قدیم رشته زبان و ادبیات فارسی (مصوب سال ۱۳۶۶) که ناظر بر «تمام منطق‌الطیر با توجه به نکات ادبی آن» است، تدریس شده و می‌شوند، دیدیم که تلاش و اهتمام مؤلفان این درسنامه‌ها، پس از تصحیحی که سالها پیش (۱۳۴۲) دکتر گوهرین انجام داد، چون اساساً معطوف به ارائه تصحیحی اصولی و دقیق از متن نبود، علیرغم برخی تلاشها برای ارائه شروحو مفید (مانند تصحیح و شرح انزابی نژاد و قره‌بگلو، یا گزیده‌های دکتر شمیسا و دکتر اشرف‌زاده) تا پیش از ارائه تحقیق و تصحیح پر وسعت و دامنه و عمیق شفیع کدکنی (۱۳۸۳) - که در جای خود نیاز به برخی بازنگری‌های جزئی دارد - خالی از خطاهای خرد و بزرگ در شناخت عطار و زبان شعر او نبود. در این راه کار ارزشمند دکتر عابدی و دکتر پورنامداریان (۱۳۹۰) در راه شناخت زبان و اندیشه عطار قدم مؤثر و تکمیلی خوبی در مسیر عطارشناسی بود. در حال حاضر با توجه

به ساختار خاص و بسیار منسجم منطق الطیر ارائه گزیده‌ای از این متن بسیار دشوار و تقریباً متعذر است و بی هیچ تردیدی اولویت با دو متن مصحح اخیر است.

پی‌نوشت‌ها

۱. از این موارد که بگذریم، نگاهی به کتابشناسی شیخ فریدالدین عطار (میرانصاری، ۱۳۷۴: ۱۵۴، ۱۵۹) نشان می‌دهد چند ده چاپ از منطق الطیر و شروح آن از ۱۲۴۸ ق. تا سالهای اخیر بویژه در ایران و شبه‌قاره هند منتشر شده است که از میان آنها کتاب منتخب اشعار شیخ فریدالدین محمد عطار نیشابوری، (برگزیده غزلیات، قصاید، منطق الطیر، مصیبت‌نامه، الهی‌نامه، خسرونامه و مختارنامه) بواسطه فضل تقدیمی که در گزینش و گزیده‌نویسی آثار عطار به شیوه درسنامه‌ای دارد شایسته یادآوری است؛ این اثر در سال ۱۳۴۵ در ۴۴۸ صفحه منتشر شده و از آنجا که مؤلف آن، دکتر تقی تفضلی، مصحح دیوان عطار، بوده قابل توجه است. این اثر، که بنا به توصیف کتابخانه ملی ایران، هم گزینش و هم تصحیح بوده است و دارای مقدمه‌ای شصت و سه صفحه‌ای، در زمان انتشار احتمالاً کار بسیار مغتنمی بوده است اما متأسفانه امکان رویت آن بدست نیامد.
۲. مانند مقدمه مفصل و محققانه کتاب مفلس کیمیا فروش که در نقد و تحلیل شعر انوری نوشته شده است.
۳. استاد فروزانفر نیز در صفحه ۸۷ شرح احوال و نقد و تحلیل آثار عطار در نقد و تحلیل الهی‌نامه می‌نویسد: «از جهت نظم و ترتیب منطقی و تسلسل مطالب وی حکایات الهی‌نامه به پایه منطق الطیر و مصیبت‌نامه نمی‌رسد و در عداد آثار بی‌نظیر عطار قرار نمی‌گیرد».
۴. مقاله آقای دکتر نوریان با نام «منطق الطیر سلیمانی کجاست» در نقد تصحیح‌های منطق الطیر، منتشر شده در مجله نشر دانش، شماره ۴۸، مهر و آبان ۱۳۶۷ و مقاله محققانه دکتر علی رواقی با نام «گذر از وادی مرغان» که حاصل تأملات واژه‌شناختی منطق الطیر است و در مجله گلچرخ، شماره هفتم، سال ۱۳۷۲ منتشر شده است.
۵. ظاهراً این نکته زبانی را چنان که آقای جويا جهان‌بخش در مقاله خود متذکر شده‌اند (نک. فهرست منابع)، دکتر رواقی نیز در مجله گلچرخ، شماره هفتم، سال ۱۳۷۲ ضمن مقاله «گذر از وادی مرغان» در ضمن برخی ملاحظات زبانی دیگر منطق الطیر گفته است.
۶. نگاهی به توضیحات صفحات ۲۲۲ تا ۲۲۹ چاپ شفيعی که در باب روش تصحیح ایشان است ظرافت‌ها و لغزشگاه‌های کار تصحیح متن منطق الطیر را با ارائه نمونه‌های بسیار جالب توجه نشان می‌دهد.

۷. البته برخی از مصححان دیگر کار را از این نیز ساده‌تر گرفته‌اند و مثلاً در تصحیح دکتر احمد رنجبر، نسخه‌اساس به ادعای کاتب اوایل قرن هشتم است و به نظر مصحح مربوط به قرن نهم و جز این نسخه‌قرن نهمی فقط دو چاپ گوهرین و مشکور به عنوان نسخه‌بدل در نظر گرفته شده‌اند. (رنجبر، ۱۳۷۰: ۸-۹).

۸. این مثل را از کودکی باز بسیار از مادرم و برخی از کهن‌سالان کدکن شنیده بودم و آنگاه که پس از آشنایی با منطق الطیر در خصوص ماهیت مرغ زرین جويا می‌شدم، داستانی مفصل از سیمرخ برایم نقل می‌کردند.

۹. استدراکاتی از این دست، باز هم در خصوص توضیحات و تعلیقات چاپ دکتر شفیع کدکنی دیده می‌شود. برای نمونه مقاله «نقد و بررسی منطق الطیر» در دوره ۱ شماره ۱ فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی دانشگاه آزاد اسلامی (نک. فهرست منابع) که اگرچه در برخی مواردی که برشمرده است، (مثلاً شرح بیت ۳۱) کاملاً به بیراهه رفته، اما مثلاً در شرح بیت ۳۰ یا ۳۳۱ به نکات راهگشایی اشاره دارد.

۱۰. گزیده منطق الطیر انتشارات علمی و فرهنگی، در غیاب هرگونه تعلیقات و توضیحاتی، یک «واژه‌نامه» دارد که دربردارنده فهرست لغات و ترکیبات و برخی اعلام و پاره‌ای احادیث و آیات و نام برخی پرندگان نیز هست.

کتاب‌نامه

- آیتی، عبدالمحمد، (۱۳۹۰)، پیر نیشابور (گزیده‌ای از مثنوی‌های عطار)، چ دوم (چاپ اول ۱۳۷۵)، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- احمدنژاد، کامل و صنعتی‌نیا، فاطمه، (شارح و تلخیص کننده)، (۱۳۸۴)، [گزیده] منطق الطیر عطار، چ چهارم (چاپ اول ۱۳۷۲)، تهران، انتشارات زوار.
- اشرف‌زاده، رضا (۱۳۸۶)، شرح گزیده منطق الطیر (مقامات طیور شیخ فریدالدین محمد عطار نیشابوری)، چ پنجم، (چاپ اول: ۱۳۷۳)، تهران: انتشارات اساطیر.
- اشرف‌زاده، رضا، (۱۳۸۳)، «نگاهی به چاپی تازه از منطق الطیر»، نامه فرهنگستان، ش. ۲۴، زمستان ۱۳۸۳، صص ۱۱۵-۱۲۴.
- الهی قمشه‌ای، حسین محی‌الدین (۱۳۷۳)، گزیده منطق الطیر (هفت شهر عشق)، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- انزایی‌نژاد، رضا و قره‌بگلو، سعید، (مقدمه‌نویس، مصحح و شارح)، (۱۳۸۸)، منطق الطیر، محمدین ابراهیم عطار، ویراست دوم، تبریز: آیدین.

- پورنامداریان، تقی، (۱۳۸۲)، دیدار با سیمرغ، چ سوم با تجدید نظر و اضافات، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- جهانبخش، جويا، (۱۳۷۸)، «هنجار تصحيح متن منطق الطير»، آينه ميراث، ش. ۷ و ۸ زمستان ۱۳۷۸ و بهار ۱۳۷۹، صص ۴-۲۴.
- جهانبخش، جويا، (۱۳۷۹)، «هنجار تصحيح متن منطق الطير، قسمت دوم، بيوست‌ها»، آينه ميراث، ش. ۹، تابستان ۱۳۷۹، صص ۲۲-۳۱.
- حيدري، علي، (۱۳۸۴)، «نقد و بررسي منطق الطير»، فصلنامه ادبيات عرفاني و اسطوره‌شناختي دانشگاه آزاد اسلامي، س. اول، ش. ۱، صص ۵۳-۶۱.
- رنجبر، احمد، (مصحيح)، (۱۳۷۰)، منطق الطير، سروده فریدالدین عطار نیشابوری، چ سوم، (چاپ اول ۱۳۶۶)، تهران: انتشارات اساطير.
- ريتر، هلموت، (۱۳۸۸)، دريای جان، ترجمه عباس زریاب خوبی و مهرآفاق بایبوردی، ۲ ج، چ سوم، تهران: انتشارات بين‌المللي الهدي.
- زرین کوب، عبدالحسين، (۱۳۷۹)، صدای بال سیمرغ، درباره زندگی و اندیشه عطار، چ. ۲، تهران: انتشارات سخن.
- شفيعی کدکنی، محمدرضا، (مقدمه‌نویس، مصحح و شارح)، (۱۳۸۳)، منطق الطير، سروده فریدالدین محمدبن ابراهیم نیشابوری، تهران: سخن.
- شفيعی کدکنی، محمدرضا، (مقدمه‌نویس، مصحح و شارح)، (۱۳۸۶)، مصیبت‌نامه، سروده فریدالدین محمدبن ابراهیم نیشابوری، چ سوم، تهران: سخن.
- شفيعی کدکنی، محمدرضا، (مقدمه‌نویس، مصحح و شارح)، (۱۳۸۷)، الهی‌نامه، سروده فریدالدین محمدبن ابراهیم نیشابوری، چ سوم، تهران: سخن.
- شفيعی کدکنی، محمدرضا، (مقدمه‌نویس، مصحح و شارح)، (۱۳۹۲)، منطق الطير، سروده فریدالدین محمدبن ابراهیم نیشابوری، تهران: سخن. (چاپ جلد ششمین و دانشجویی، تلخیص شده چاپ کامل).
- شمیسا، سیروس (۱۳۹۰)، [گزیده] منطق الطير عطار، چ سیزدهم (چاپ اول ۱۳۷۲)، تهران: دانشگاه پیام نور.
- شمیسا، سیروس (۱۳۹۳)، گزیده منطق الطير عطار، چ چهاردهم (چاپ اول ۱۳۷۳)، تهران: نشر قطره.
- صارمی، سهیلا، (۱۳۸۲)، سیمای جامعه در آثار عطار، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- صارمی، سهیلا، (۱۳۸۹)، مصطلحات عرفانی و مفاهیم برجسته در زبان عطار، ۲ ج، ویراست دوم، ۱۳۸۹، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- عابدی، محمود و پورنامداریان، تقی (مصحيح)، (۱۳۹۰)، منطق الطير، فریدالدین عطار نیشابوری، تهران: سمت.

- عابدی، محمود و پورنامداریان، تقی (مقدمه‌نویس، مصحح و شارح)، (۱۳۹۰)، منطق‌الطیر، سروده فریدالدین عطار نیشابوری، تهران: انتشارات سمت.
- عطار نیشابوری، فریدالدین، (۱۳۵۹)، الهی‌نامه، تصحیح هـ ریتز، تهران: انتشارات توس. (افست از روی چاپ مطبوعه معارف استانبول ۱۹۴۰).
- گوهرین، سیدصادق، (مصحح)، (۱۳۷۴)، منطق‌الطیر، شیخ فریدالدین محمد عطار نیشابوری، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- مرتضوی، منوچهر، (۱۳۶۵)، مکتب حافظ، ج. ۲، تهران: انتشارات توس.
- میرانصاری، علی، (۱۳۷۴)، کتابشناسی شیخ فریدالدین عطار نیشابوری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.